

منشأ آموزه‌های اخلاقی در شعر معاصر عرب اعظم محمودی^۱

چکیده

در تاریخ ادبیات عرب، پیوسته شاعرانی بوده‌اند که برای ادبیات، غیر از وظیفه‌ی لذت‌آفرینی و خلق زیبایی، وظیفه‌ای فرا هنری نیز قائل بوده و از آن در جهت تهذیب اخلاق و برپایی ارزش‌های انسانی در جامعه بهره برده‌اند. این موضوع در شعر معاصر عرب به روشنی مشاهده می‌شود. پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی منشأ آموزه‌های اخلاقی و تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در شعر این دوره بپردازد. شیوه پژوهش، توصیفی و روش تحلیل اطلاعات کیفی است. یافته‌ها نشان می‌دهد شاعران معاصر عرب علاوه بر گرایش فطری به فضایل انسانی و اخلاق کریمه، به دلیل بروز تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این عصر؛ و تسلط فرهنگ استعماری غرب بر سرزمین‌های خود، با الهام از تعالیم الهی و اسلامی و با درک رسالت خویش در هدایت جامعه به سمت کمال و مبارزه با ضد ارزش‌ها، موضوعات اخلاقی، به ویژه اخلاق اجتماعی را از مقاصد شعری خود قرار داده‌اند.

کلیدواژه: اخلاق، آموزه‌های اخلاقی، شعر معاصر، عرب

مقدمه

^۱ - هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان قم، گروه آموزش زبان عربی

آدمی، به حکم فطرت و آموزه‌های دینی، به منظور دست یافتن به مقام عبودیت و تقرب الهی و نیز تکامل روحی و معنوی آفریده شده است؛ و این مهم جز در سایه پیراستن روح و برخوردار شدن از مکارم اخلاقی فراهم نمی‌شود.

اخلاق در لغت جمع «خُلُق» به معنای دین، طبع و عادت است. (ابن منظور، ۱۹۹۰: ۱۴۰)

ابو حامد غزالی در تعریف «خُلُق» چنین گفته است: «الخُلُق عبارة عن هيئة في النفس راسخة عنها عنها تصدر الأفعال بسهولة و يسر من غير حاجة إلى فكر و روية، فإن كانت الهيئة بحيث تصدر عنها الأفعال الجميلة المحموده عقلاً و شرعاً، سُميت تلك الهيئة خُلُقاً حسناً و إن كان الصادر عنها الأفعال القبيحة، سُميت الهيئة التي هي المصدر خلقاً سيئاً» (خُلُق، حالتی ماندگار در نفس است که اعمال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه، از آن صادر می‌شود؛ و اگر از این هیئت و حالت اعمالی صادر شود که از نظر عقل و شرع زیبا و پسندیده است، خُلُق نیکو نامیده می‌شود و اگر از آن، اعمال زشت سرزند، خلق ناپسند نام دارد). (۱۳۲۶، ج ۳: ۳۹)

اما أفرام البستانی اخلاق را این گونه تعریف کرده است: «الأخلاق جمع الخُلُق و هو العادة والسجية والطبع والمروءة والدين، والأصح اطلاقه على الافعال الحميدة، وهذا المعنى الأخير مرادف في اللغة العربية لمعنى الادب، لأنّ الأدب لا يُطلق آلا على المحمود من الخصال»؛ (اخلاق جمع خُلُق است و آن عبارت است از عادت و خصلت و طبع و مروت و دین و درست‌تر آن است که به اعمال نیک و پسندیده اطلاق شود و این مفهوم اخیر با معنای ادب در زبان عربی هم‌معنی است، زیرا ادب، تنها به خصلت‌های پسندیده اطلاق می‌شود). (۱۹۶۷: ۴۳۲)

مقوله اخلاق در هنر، از جمله در ادبیات و شعر، همواره مورد توجه ادیبان، اندیشمندان و منتقدان بوده است. بسیاری، زبان شعر و ادب را مؤثرترین و آسان‌ترین راه برای ترویج مکارم اخلاقی و نهادینه کردن آن در جان و روح انسان‌ها دانسته‌اند؛ زیرا شاعر و ادیب با تسلط بر ساختار گفتاری و زبانی عامه، با یاری جستن از توانایی خویش در پرداختن به روشی نوین در بیان معنا، از زبان آنان زبان دیگری خلق می‌کند که همان زبان ادبی است و با آن زبان، مقاصد خود را به سهولت در جامعه انتقال می‌دهد.

موضوع اخلاق در شعر و ادبیات عرب نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و پیشینه‌ی آن به تاریخ پیش از اسلام بر می‌گردد. در واقع می‌توان گفت اخلاقیات بخشی از شعر تعلیمی عرب است که از دوران جاهلی مورد توجه ادبا و شعرا بوده است. و آنان با انگیزه‌های انسانی و با الهام از فطرت خویش و متأثر از شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی به بیان ارشادات ارزشمند اخلاقی پرداخته‌اند.

با ظهور اسلام، مفهوم اخلاق در شعر عربی گسترش یافت و شاعران و ادبای عرب و به ویژه مسلمان، در تمامی اعصار پس از اسلام، با الهام از آیات قرآن و سنت و سیره بزرگان دین، به موضوع اخلاق پرداخته و بدین ترتیب آموزه‌های اخلاقی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم و مقاصد شعر عرب شد.

در عصر کنونی به دنبال پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی و تغییر ساختارهای اجتماعی و روابط فردی و به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در سراسر جهان رخ داد و نفوذ فرهنگ استعماری و آثار مخرب آن را در برخی جوامع، از جمله جوامع اسلامی در پی داشت، شاعران و ادبای عرب

بیش از هر زمان دیگری خود را متعهد دانستند تا به بازگشت بشر به سوی معنویت و آموزه‌های دینی و اخلاقی مدد رسانند.

پژوهش پیش رو تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که منشأ بروز آموزه‌های اخلاقی در شعر معاصر عرب چیست؟ آیا این موضوع تنها ریشه در فطرت داشته و پرداختن به آن امری ناخودآگاه بوده است و یا شاعر عرب متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محیط خود، بدان سو کشیده شده است؟ و یا علاوه بر این موارد، وی در جهت رهنمون ساختن جامعه به سوی کمال و معرفت الهی و انسانی، رسالتی دینی و اخلاقی برای خود قائل بوده است؟

علاوه بر مسئله فوق، پاسخگویی به سؤالات فرعی زیر نیز از اهداف این نوشتار است:

- مهم‌ترین موضوعاتی که شاعران معاصر عرب، در باب اخلاق بدان پرداخته‌اند چیست؟
- شاعران معاصر عرب بیشتر به موضوع اخلاق فردی پرداخته‌اند یا آموزه‌های آنان در راستای اخلاق اجتماعی بوده است؟

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و شیوهی تحلیل اطلاعات، کیفی است.

تا کنون پژوهش‌هایی در زمینه‌ی «اخلاق در شعر معاصر عرب» صورت گرفته که بیشتر به صورت مطالعات موردی بوده است؛ از جمله: «الاخلاق فی شعر حافظ ابراهیم» که فوزیه بنت عبدالله بن عایض المنتشری الشمرانی در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به آن پرداخته است؛ و امینه نوری زاده نیز موضوع «اخلاقیات در شعر معاصر عربی (صالح مجدی، عبد الغفار الموصلی، بطرس کرامه، عبد الغنی النابلسی و مصطفی الغلائینی)» را برای پایان نامه کارشناسی ارشد خود برگزیده است؛ و عبدالجندی ناصف موضوع «الدین والأخلاق فی شعر شوقی» را مورد بررسی قرار داده؛ و سودابه مظفری مقاله‌ای با عنوان «القیام الاخلاقی فی شعر عائشه تیمور» به نگارش درآورده است. نامداری و مرادی نیز «اخلاق در شعر نئوکلاسیک معاصر عربی (بررسی موردی احمد شوقی و حافظ ابراهیم)» برگزیده‌اند؛ اما با بررسی‌های به عمل آمده تا کنون به موضوع «منشأ آموزه‌های اخلاقی در شعر معاصر عرب» پرداخته نشده است.

ضرورت و جایگاه آموزه‌های اخلاقی در شعر و ادب عربی

انسان‌ها در مرحله‌ای از تاریخ وجودی خویش، برخی چیزها را ارزشمند تصور کردند و به این صورت تفکر ابتدایی آدمی، وارد مرحله مفهوم سازی شد و بدین ترتیب مفهوم خوبی یا خیر در ذهن او پدیدار شد و این شروع تفکر اخلاقی انسان بود. (نک: هولمز، ۱۳۹۴: ۲۶) ابتدا مفهوم خوبی به شکل «عرف» و مفهوم شرّ به شکل «تابو» بروز یافت. «عرف» مجموعه قواعدی بود که جامعه به صورت سنتی آن را پذیرفته بود و «تابو» مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهای ناهنجار اجتماعی بود که از سوی آیین و مذهب قوم ممنوع و نکوهیده بودند. این دو مفهوم در سیر تحول و پیشرفت جوامع مدنی، تبدیل به قانون و اخلاقیات شدند. با سپری شدن این دوره و تکامل هوش بشری و تعالی آرمان‌ها و توانایی بر ارزش‌گذاری

نیازها، انسان‌ها توانستند عملکرد خویش را به خوب و بد تقسیم کنند و گرایش به خیر را ستوده و گرایش به شرّ و بدی را نکوهش نمایند.

البته از آنجا که عقل آدمی، کلیات را درک می‌کند و در زندگی بشر، پیوسته موارد نیک و بد اخلاقی وجود داشته و دارد که عقل به آن دسترسی ندارد و یا مصادیقی بوده که عقل به خیر یا شر بودن آن‌ها حکم کرده، بدون آن که منافع و مضرات جمعی داشته باشد، نیاز به پیامبران، به‌عنوان کسانی که به منشأ اصلی دانش، یعنی خداوند دسترسی دارند، احساس شده است؛ زیرا خداوند است که به تمامی جوانب نفس بشری و عالم هستی احاطه دارد؛ بنابراین اولین منادیان و معلمان اخلاق در زندگی بشر، پیامبران بوده‌اند.

بعد از پیامبران، ادبا و شعرا از بزرگترین معلمان اخلاق در جوامع به شمار می‌آیند که پرچم هدایت بشر را به سمت فضیلت و خیر، بر دوش کشیده‌اند. از این روست که شعر تعلیمی را یکی از اقسام چهارگانه شعر در ادبیات جهانی دانسته‌اند که از دیرباز مورد توجه شاعران قرار گرفته است و از جمله مواردی که شعر تعلیمی بدان می‌پردازد، اخلاقیات است که در آن خیر و شرّ و فضایل و رذایلی که آدمی باید بدان آراسته شود و یا از آن بپرهیزد، مورد عنایت قرار می‌گیرد.

دکتر صالح آدم بیلو می‌گوید: «المیادین الّتی تعمل فیها هذا اللّون من الأدب، أو الشّعر الّذی نسّمیه تعلیمیاً ثلاثة میادین: ۱. اصول الأخلاق والعقائد؛ ۲. السّیر والتّاریخ؛ ۳. الحقائق والمعارف المتعلّقة بالعلوم والفنون والصّناعات» (عرصه فعالیت این نوع از ادب و شعر که آن را تعلیمی می‌نامیم سه چیز است: ۱. اصول اخلاق و عقاید؛ ۲. سیره و تاریخ؛ ۳. حقایق و معارف مربوط به علوم و فنون و صنعت‌ها). (۲۰۰۲: ۱)

آن‌چه از تعریف اخلاق بر می‌آید و پیش از این بدان اشاره شد این است که بخشی از اخلاقیات ریشه در فطرت دارد و در طبیعت آدمی به طور ثابت نهفته است و بخشی از آن اکتسابی است که یا متأثر از محیط و شرایط زندگی بوده است و یا منشأ دینی دارد و به هر جهت قابل یاددهی و یادگیری است.

بررسی آثار ادبی عرب نیز نشان می‌دهد که شعر عربی به دو صورت، به آموزه‌های اخلاقی توجه داشته است: ۱. توجه ناخودآگاه که از نیت و فطرتی پاک سرچشمه گرفته و آن شعر پیش از اسلام است. ۲. توجه علمی بر پایه نظریات تطبیقی و تحلیلی که بعد از ظهور اسلام و تحول فکری و اخلاقی شکل گرفته است. (ن.ک: حمادی ذیاب النعمی، ۲۰۰۹: ۱۰۴)

شعر وادب در هر جامعه، ارتباط مستقیمی با رشد فکری و تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و حتی شرایط جغرافیایی و اقتصادی آن دارد. شعر عرب نیز در دوره‌های گوناگون، بیان روشنی است از چگونگی عادات، دیانت، اخلاق، اندیشه و آداب و سنن او.

به‌عنوان نمونه عرب جاهلی، به دلیل حاکمیت نظام قبیله‌ای بر زندگی و فقدان حکومت مرکزی دارای روحیه آزادی، عصبیت و خشونت بوده و شخصیتی نیرومند همراه با فردگرایی داشته است. او به آزادی و استقلال، انجام کار خیر به خاطر خویشتن و کسب منزلت و نام نیک، میلی فراوان نشان داده است. (ن.ک: زیات، ۱۹۹۳: ۱۹-۱۱)

مطالعه آثار این دوره نشان می‌دهد که حیات فکری عرب جاهلی سرشار از مجموعه نصایح و ارشادات صادقانه است که یا در کلام افرادی چون لقمان حکیم به صورت وصیایی به فرزند خویش، منعکس شده و قرآن کریم نیز در آیاتی چون ﴿يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳)؛ و نیز ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَجُورٍ﴾ (لقمان: ۱۷-۱۶) از آن یاد کرده است؛ و یا در شعر و ادب جاهلی به وفور بروز یافته است. در میان شاعران جاهلی، مشاهیری وجود دارند که به برخی از ارزش‌های اخلاقی شهرت یافته‌اند. مثلاً حاتم طائی نماینده بخشش و کرم است و عنتره بن شداد به شجاعت و جسارت شهره است و زهیر بن ابی سلمی بر قله حکمت و دانش ایستاده است.

پیامبر مکرم اسلام (ص) فرموده‌اند: «اتَى بُعْثُ لَأْتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۸۷) و این بدان معنی است که جامعه عربی در عصر جاهلی برخوردار از ارزش‌هایی اخلاقی بوده است و آنگاه خداوند پیامبر گرامی اسلام (ص) را مبعوث نمود تا آن ارزش‌ها را احکام بخشیده و به اتمام رساند.

با سپری شدن عصر جاهلی و ظهور اسلام، مفهوم اخلاق در شعر عربی گسترش یافته و فراتر از مکارم انسانی مطرح شد؛ زیرا اسلام به فضایل اخلاقی عرب، اخلاق اسلامی را افزود که دارای مرجعیت دینی و برگرفته از قرآن و سنت و عقل بود، همان طور که برخی عادات و اخلاق فاسد و نکوهیده عرب را تحریم نمود.

آیات قرآن مجید سرشار از پیام‌های اخلاقی و تربیتی بوده و این اخلاق اسلامی در وجود پیامبر مکرم اسلام (ص) متجلی شده است. همان طور که خداوند فرموده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)

اخلاق در اسلام موضوعی است که تمامی رفتارها و احساسات انسان و تمامی افکار و اندیشه‌اش را در بر می‌گیرد. در اسلام عملی که خارج از دایره اخلاق باشد وجود ندارد و موضوع ثانوی محسوب نمی‌شود و محصور به گستره‌ی خاصی از رفتار بشر نمی‌باشد. (قطب، ۱۹۸۰: ۱۳۱-۱۳۰)

شاعران و ادبای عرب و به ویژه مسلمان، در تمامی اعصار پس از اسلام، با الهام از آیات قرآن و سنت و سیره بزرگان دین، به موضوع اخلاق پرداخته و بدین ترتیب آموزه‌های اخلاقی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم و مقاصد شعر عرب شد.

اخلاق در شعر معاصر عرب

در دوران معاصر به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در سراسر جهان رخ داد و یکی از آثار شوم آن نفوذ فرهنگ استعماری در جوامع اسلامی بود، دورانی ظلمانی بر این جوامع سپری شد که دانش و فرهنگ و تمدن آن جوامع را بی نصیب نگذاشت.

دکتر تمیمی می‌گوید: «ظلمتی که در طول دوران عقب‌ماندگی و ذلت و خواری، بر فرهنگ اسلامی سرازیر شد، اخلاق سهم بزرگی از آن را دریافت نمود... و آن به دو علت برمی‌گردد: ۱. روی آوردن به تفکر استعماری در عرصه فرهنگی؛ که این موضوع قربانیان زیادی از فرزندان اسلام گرفت. ۲. عدم توفیق مسلمانان و عقب‌ماندگی آنان در عرضه مبانی اخلاقی و دانش اخلاق اسلامی، به طوری که هم ردیف افکار جدید و روز دنیا باشد.» (۱۳۶۲: ۱۲۴)

اما با وجود تمامی این موانع و نارسایی‌ها، هیچ‌گاه شعر معاصر عرب را خالی از آموزه‌ها و تکریم فضایل اخلاقی نمی‌یابیم؛ زیرا با ورود مظاهر تمدن و رفاه‌زدگی غربی به حیات دولت‌ها و ملت‌های عرب و تغییر سبک زندگی در آداب و عادات گوناگون که منجر به دور شدن از فضای اسلام و طبیعت مشرق‌زمین شد، شاعران برعهده خود دیدند در فضایی که شعرهای بی‌هویتی و ایمان ستیز توسط گروهی شاعرنا تبلیغ شده و به بحران بی‌هویتی دامن می‌زند، مشکلات اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در اشعار خویش منعکس ساخته و برقراری آشتی میان تعالیم اسلام و جوامع را رسالت خود برشمارند. به ویژه شاعرانی که خود از سرچشمه زلال اسلام سیراب گشته و از مکارم ناب اسلامی بهره مند شده بودند.

بدین ترتیب مؤلفه‌های اخلاق مانند سایر حوزه‌های فکری بشر در دوران معاصر دچار تحول شد و در کنار مضامین سنتی، مؤلفه‌های جدیدی به خود دید. در این دوره اخلاق اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و نوعی تعهد اخلاقی - اجتماعی را برای شاعران به دنبال آورد. از جمله موضوعات اخلاق در این عرصه، اعتراض به بی‌عدالتی، استعمارستیزی، فقرستیزی، حرمت انسانی، همدلی و برابری، وطن‌پرستی و ... است.

از جمله این شاعران می‌توان به احمد شوقی و حافظ ابراهیم، سامی بارودی، عائشه تیمور، معروف رصافی و بسیاری دیگر اشاره کرد.

احمد شوقی و حافظ ابراهیم از شاعران نئوکلاسیک عرب به شمار می‌آیند که با هدف حفظ میراث گذشتگان، سعی در به تصویر کشیدن اندیشه‌های اصیل معاصر عرب داشتند. آنان مسائل روز و مهم جامعه را با زبان کلاسیک و شیوه‌های کهن، به مردم عرضه داشته و در این میان موضوعات اخلاقی از مهم‌ترین موضوعاتی است که آنان را به خود مشغول کرده و هیچگاه از آن غفلت نوزیدند.

احمد شوقی در شعر خود برای عنصر اخلاق، جایگاه رفیعی قائل است، به اعتبار آن که آن را اساس و زیربنای تمدن و پیشرفت بشریت می‌داند. در نگاه او رنجی که گریبانگیر بشر امروز است ناشی از فروپاشی بنای اخلاق در جوامع و دور شدن انسان‌ها از معیارها و فضایل اخلاقی است. (شوقی، ۱۹۳۳، ج ۱: ۶۵)

و لیس بعامر بنیان قوم إذا أخلاقهم کانت خرابا

(بنیان قومی آباد نمی‌شود اگر اخلاق آنان ویران شده باشد)

ناقدان ادب به احمد شوقی لقب «شاعر اخلاق» را داده‌اند و آن به خاطر کثرت تکرار مسئله اخلاق در شعر اوست تا آنجا که تمام اندیشه و خاطر او را به خود مشغول داشته است. (عبدالهادی، ۲۰۰۹: ۲۱۸)

او بر عهده خود می‌داند ارتباط اخلاق را با حیات و پیشرفت جوامع و نسل‌های بشری به شیوه‌ای مبتکرانه

به تصویر بکشد؛ بنابراین مضامین اخلاقی را در لابلای داستان‌های شعری، قصائد و اشعار خود به خواننده می‌رساند.

بررسی اشعار احمد شوقی نشان می‌دهد آموزه‌های اسلامی بر اشعار او تأثیر زیادی داشته است و «او اساس اخلاق را بر مبنای شریعت اسلامی که از وحی و سنت رسول (ص) سرچشمه گرفته، پایه ریزی کرده است». (الحرّ، ۱۹۹۲: ۲۰۵)

شوقی معتقد است که اگر ملت‌ها به عارضه‌ای مبتلا شوند راه علاجی برای آن وجود دارد، اما اگر اخلاق یک ملت آفت ببینند، همه چیز به تباهی کشیده می‌شود: (شوقی، ۱۹۳۳، ج ۱: ۲۲۴)

وَأَمَّا الْأُمَمُ الْأَخْلَاقُ مَا بَقِيَتْ فَإِنْ هُمَا دَهَبَتْ أَخْلَاقُهُمْ ذَهَبُوا

در اندیشه او اگر قومی دچار مصیبت اخلاقی شدند، باید برای آن‌ها شیون و زاری نمود: (همان: ۱۹۱)

وَإِذَا أُصِيبَ الْقَوْمُ فِي أَخْلَاقِهِمْ فَأَقِمِ عَلَيْهِمْ مَأْتَمًا وَ عَوِيلاً

این بیت، از مشهورترین ابیات شوقی، بلکه مشهورترین ابیات شعری عرب به شمار می‌آید و پیوسته بر زبان‌ها جاری است. از جمله آموزه‌های اخلاقی که شوقی بدان پرداخته است: همّت و تلاش، عدالت، عمل به علم، صبر، امید، صداقت، تواضع، یاد مرگ، تقوی و ... است.

حافظ ابراهیم نیز از جمله شاعرانی است که به گفته‌ی خویش، مکارم اخلاق او را به طرب می‌آورد، آن گونه که شخصی غریب در بازگشت به وطن و دیدار یاران به طرب می‌آید و در بین خصلت‌های گوناگون، ذکر جوانمردی و کرم در او شور و شعفی مانند فرد مشتاق ایجاد می‌کند: (حافظ ابراهیم، ۱۹۹۷، ج ۱: ۲۱۹)

إِنِّي لَتَطْرُبُنِي الْخِلَالُ كَرِيمَةً طَرَبَ الْغَرِيبَ بِأُوبِيَّةٍ وَ تَلَاقِي
وَ تَهْزُنِي ذِكْرِي الْمَرْوَةَ وَ النَّدَى بَيْنَ الشَّمَائِلِ هَزَّةَ الْمُشْتَاقِ

او در شعر خود بین فلسفه اخلاق و هنر شعر را جمع نموده است و مهم‌ترین شاعری است که در شعرش به مشکلات جامعه و موضوع اخلاق و ارزش آن پرداخته و با ظلم و ستم، مکر و دروغ، بخل و دیگر مفاسد اخلاقی که در جامعه مصر شروع به انتشار و افزایش کرده بود، به مبارزه برخاسته است. موضوعاتی از قبیل شجاعت، نیروی عزم و اراده، صبر، وفاداری، تقوای خداوند، عدالت، جوانمردی و مروت و ... مورد توجه او بوده است.

از دیگر شاعران اخلاق مدار در عصر معاصر عرب، سامی بارودی است. از نظر او وظیفه شعر، تهذیب نفس و پرورش عقل و هدایت انسان است. به همین جهت خود و شاعران دیگر را به تقوی دعوت می‌کند: (۱۹۴۰، ج ۲: ۱۵۹)

إِيَّهَا الشَّاعِرُ اتَّقِ اللَّهَ وَادْكُرْهُ أَنْ لِلشَّعْرِ حِكْمَةٌ عَلِيَاءُ

(ای شاعر! تقوای خدا پیشه کن و او را یاد کن! حقیقتاً شعر برخوردار از حکمتی والاست)

سامی بارودی از زمان کودکی تحت تعالیم دینی و قرآنی قرار گرفت، از این رو تلاش نمود در خلال اشعارش مردم را به سوی ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتماعی فرا بخواند. از جمله مواردی که در موضوع اخلاق بدان پرداخته است، وفای به عهد، رازداری، دوری از سوء ظن، نکوهش شرابخواری و تسلیم نشدن در برابر ذلت و خواری است.

از دیگر شاعرانی که از این مهم سر باز نزد عائشه تیمور است. او از زنان ادیبی است که به رغم برخوردارگی از مواهب زندگی متمدن و مرفه و در زمانی که زنان عرب به دلیل حاکمیت جهل و غفلت بر جامعه، حضور چشمگیری در عرصه ادبیات نداشتند، پرچم دار نهضت اخلاقی در مصر شد. خود به این دوره اشاره می‌کند: (تیمور، ۱۸۸۶: ۲۴)

وذاک لأنتی فی عصر ذاک به التهذیب کالأمر العجیب

(و آن بدین جهت است که من در دوره‌ای به سر می‌برم که پیراستگی همچون امری شگفت‌آور است)

او از این که صداقت و وفاداری در جامعه از بین رفته و جای خود را به نیرنگ و فریب داده در رنج بوده است: (همان: ۶۳)

حُسْنُ الوفاء و صدقُ الوُدِّ قد صُرعا واستوحشا بیفافی العَدْر وانصدعا

(وفاداری و دوستی خالصانه شکست خورده و در بیابان‌های مکر و نیرنگ احساس وحشت کرده و مغلوب شده است)

وی در خانواده‌ای مرفه و مشهور پرورش یافت و با اعضای خانواده سلطنتی مصر و نیز طبقات مختلف زنان ارتباط داشت. (فهمی، ۱۹۵۴: ۴) اما به رفاه زدگی فریفته نشد و از آنجا که بر احکام اسلام گردن نهاده و لباس تقوا و عفت را بر تن نموده بود در برپایی ارزش‌های اخلاقی اسلامی در خانواده و جامعه بشری تلاشی بسیار کرد.

از جمله مضامین اخلاقی در شعر عائشه تیمور، حجاب و عفت، صبر و بردباری، دوری از نفس‌آماره، حفظ زبان از عیبجویی و ... است.

معروف رصافی نیز از دیگر شعرای معاصر عرب است که آموزه‌های اخلاقی و دینی اسلام مورد توجه ویژه او بوده و تعالی انسان‌ها و رهایی ملت‌ها از بند استعمار و نجات آنان از مشکلات اجتماعی را در گرو پایبندی به تعالیم اسلام دانسته است. او معتقد است اخلاق هرگاه با مکارم و فضایل سیراب شود همچون گیاهی سرسبز رشد می‌کند: (رصافی، ۱۹۹۹، ج ۱: ۳۴۹)

هی الاخلاق تنبت کالتبات إذا سقیت بماء المکرمت

موضوعاتی چون دفاع از وطن، دفاع از حقوق زنان، روی آوردن به علم و دانش و پرهیز از جهل و خمودگی، اتحاد میان مسلمانان و دیگر ادیان، مورد توجه او بوده است.

ابراهیم العریض شاعر معاصر بحرینی، از دیگر شاعرانی است که به اخلاق اجتماعی توجه ویژه نشان می‌دهد. ابیات زیر گویای آن است که وی تا چه حد نگران جهل و عقب‌ماندگی ملت‌هاست! در نگاه او جهل عامل اساسی انحطاط یک ملت است، زیرا موجب می‌شود به جای آن که مردم یک سرزمین، دنباله‌رو اندیشمندان و مصلحان اجتماعی باشند سر در آخور منافع زودگذر کرده و در دام استبداد و استکبار افتاده و به هر ذلت و حقارتی تن دهند. آنگاه فقر و اباحی‌گری از یک طرف و سستی و خمودگی از طرف دیگر به پیر و جوان آنان روی آورده و ارزش‌های الهی از بین رفته و جای خود را به دروغ و ریا و افترا می‌دهد: (العریض، ۱۹۳۲: ۹۷)

حَتَّامُ أَرَعَى أُمَّةَ	فِي الْجَهْلِ لَذَلُّهَا الْبَقَاءُ
خَلَعَ الْعَذَارَ شَبَابُهَا	وَالشَّيْخُ فَارَقَةَ الْحَيَاءُ
وَعَقُولُ مُعْظَمِ أَهْلِهَا	كَقَلْبِ نَسْوَتِهَا هَوَاءُ
وَعَلِيْمُهُمْ وَجَهْلُهُمْ	فِي الْخَطَةِ الْمِثْلَى سَوَاءُ
وَحَدِيثُهُمْ إِنْ حَدَّثُوا	كَذِبٌ وَ مِيْنٌ وَ افْتِرَاءُ

(تا کی امتی را در جهل نظاره‌گر باشم که بقای خود را در ذلت و خواری می‌داند! جوانانش بی بند و بار شده و کهن سالانش بی حیا! و عقل و خرد بیشتر مردمش همچون قلب زنان در پی هوا و هوس است! دانا و نادانشان در برترین طرح و نقشه با هم برابرند! و اگر سخن گویند، سخنشان کذب و دروغ و بهتان است!)

غیر از آنان که برشمردیم، شاعران بسیار دیگری هستند که از شعرای اخلاق مدار معاصر عرب به شمار می‌آیند و مجال شرح احوال آنان در این موجز میسر نمی‌باشد.

مؤلفه‌های اخلاق در شعر معاصر عرب

بررسی شعر معاصر عرب نشانگر آن است که شاعران اخلاق مدار هم به اخلاق فردی توجه داشته‌اند و هم به اخلاق اجتماعی؛ اما دغدغه‌ی اصلی آن‌ها توجه به مسائل جامعه و مصائب اجتماعی مردم است و پرداختن به موضوعات اخلاق فردی نیز از جانب آنان در راستای تحقق یافتن اخلاق اجتماعی و ساختن جامعه‌ای عزتمند و برخوردار از کمالات انسانی و الهی است، زیرا جامعه‌ی اخلاق مدار انسان‌های با اخلاق را در دامن خود می‌پروراند. بنابر این بیشترین همت خود را در راه آگاه‌کردن ملت‌ها نسبت به ارزش وجودی و حقوق انسانی- اجتماعی خود معطوف داشته‌اند؛ مسائلی چون حفظ استقلال و افتخار به هویت ملی؛ سرفروغ نیابردن در برابر استعمار و استبداد؛ توجه به تربیت زنان و فرزندان؛ عدالت‌خواهی و مبارزه در راه حق.

جمیل صدقی الزهاوی این‌گونه می‌سراید: (۱۹۲۴: ۹۰)

من البيئة الأخلاق تُنشأ في الفتى فتلك به في كل يوم تؤثر
إذا بيئة الانسان يوماً تغيّرت فأخلاقه طبقاً لها تتغيّر

(از محیط است که اخلاق در وجود جوان شکل می‌گیرد و هر روز در او اثر می‌گذارد. اگر روزی محیط آدمی تغییر کند، اخلاقش نیز منطبق با آن عوض می‌شود) به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق در شعر معاصر عرب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دفاع از وطن

شعر وطن، نوع جدیدی در ادبیات است که با شکل‌گیری جنبش‌های آزادیبخش و انتفاضه‌های حق‌جویانه در مشرق زمین، در جهت دعوت ملت به استقلال و آگاهی نسبت به بدخواهی‌های دشمن داخلی و خارجی، فرصت بروز یافت و مورد توجه شاعران بسیاری قرار گرفت که برخاسته از دل مردم بودند. کسانی که پیوسته قلبشان برای مجد و عظمت وطن تپیده و در راه احیای تاریخ سرافراز آن سراز پا نشناخته‌اند. در میان شاعران معاصر عرب نیز بسیاری، قدم در این عرصه نهاده‌اند، از جمله احمد شوقی که به وطن خویش حقیقتاً عشق می‌ورزد و صادقانه از فراقش ناله سر می‌دهد، به ویژه زمانی که در تبعید به سر می‌برد. او بازگشت به میهن را به بازگشت جوانی پس از پیری تشبیه می‌کند: (شوقی، ۱۹۳۳، ج ۱: ۵۶)

يا وطنی! لقيتُك بعد يأس كأنّي قد لقيتُ بك الشّبابا

ایامی که شوقی در تبعید به سر می‌برد از او شخصیتی دیگر ساخته شده و تحولی عظیم در زندگی او ایجاد می‌گردد، او از شاعری تقلیدی به شاعری ملی مبدل شده و از دربار و قصر بریده و به ملت خویش روی می‌آورد و اشعار وطنی می‌سراید. شوقی معتقد است آزادی از بند ذلت، با دستانی قدرتمند و آمیخته به خون به دست می‌آید: (همان: ۲۷۲)

و للحرية الحمراء بابٌ بكلّ يدٍ مضرّجة يُدقُّ

(آزادی سرخ دری دارد که با هر دست به خون آغشته‌ای کوبیده می‌شود)
رصافی نیز در باره دفاع از وطن این گونه می‌سراید: (۱۹۹۹، ج ۱: ۳۳۱)
واستقلّوا في سبيل الدّود عن وطنٍ واستلّموا لّلعدى بالصّبر و اتّخذوا
به تُقيمون دينَ الله و السُّننا صدق العزائم في تدميرهم جُننا

(در راه دفاع از وطن جان بر کف بگیرید که دین و سنت‌های خداوند بر پایه آن استوار است. با صبر و استقامت در مقابل دشمن، لباس رزم برتن کنید و همت‌های راسخ را برای نابودی او سپر خود سازید) او زمانی که حکومت عثمانی وارد جنگ جهانی اول می‌شود در شعر «الوطن و الجهاد» مردم را به یاری حکومت در مقابل دشمنان ترغیب می‌کند هرچند که مخالف برخی سیاست‌های مستبدانه‌ی حکومت است.

دفاع از حقوق زنان

از مهم‌ترین قضایای اجتماعی که شاعران معاصر عرب بدان اهتمام ورزیدند، مسئله زن و حقوق اجتماعی-سیاسی او و حضور آزادانه‌اش در جامعه بود.

احمد شوقی اشعار زیادی را در زمینه اهمیت آموزش زنان و نیز خطر بی‌سوادی آنان سروده است، از جمله می‌گوید: (۱۹۳۳، ج ۱: ۱۳۰)

و إذا النساء نشأن في أمية
رضع الرجال جهالة و خمولا

(اگر زنان در جهل و بی‌سوادی پرورش یابند، مردان با شیر جهالت و خمودگی بزرگ می‌شوند) رصافی در مورد زن و نقش او در جامعه، اشعار بسیاری سروده است و در زمره اولین اندیشمندانی است که به اهمیت این موضوع پی برده است. او غیر از قصائدی که در موضوعات گوناگون در باره زن سروده است، نزدیک به ۳۵ صفحه از دیوانش را تحت عنوان «نسائیات» به جایگاه و نقش زن در اجتماع و دفاع از حقوق وی اختصاص داده است و در این میان قصیده «التربیة و الأمهات» و قصیده «المرأة فی الشرق» از بهترین آن‌هاست که در آن به دلایل عقب‌ماندگی جامعه و رکود آن و تأثیر زن عرب و زن عراقی و نیز نقش حاکمان و سلاطین در این عقب‌ماندگی می‌پردازد.

او در دفاع از حقوق زنان می‌گوید: (بقاعی، ۱۹۹۴: ۹۳)

ما هكذا يا قوم ما هكذا
يأمرنا الاسلام في المسلمة
فهل بكم من راحم للنساء
فهن أولى الناس بالمرحمة

(ای مردم! چنین نیست. اسلام در باره‌ی زن مسلمان این گونه دستور نداده است. آیا در میان شما کسی نیست که نسبت به زنان مهربانی کند؟! آنان به مهر و شفقت سزاوارترند)

و نیز در مورد اهمیت تربیت و آموزش زنان چنین می‌سراید: (۱۹۹۹، ج ۱: ۳۴۹)

و أخلاق الرجال تُقاس حسناً
بأخلاق النساء والودات
فكيف نظنّ بالأبناء خيراً
إذا نشأوا بحضن الجاهلات

(اخلاق نیک مردان با اخلاق مادرانشان سنجیده می‌شود. چگونه از فرزندان انتظار نیکی داشته باشیم وقتی که در آغوش مادرانی جاهل پرورش یافته‌اند!)

و نیز حافظ ابراهیم در قصیده‌ی معروف «مدرسة البنات» به مسئله زن و لزوم تربیت او می‌پردازد، از جمله می‌گوید: (۱۹۹۷، ج ۱: ۲۷۹)

من لی بتربية النساء فإنها
في الشرق علة ذلك الإخفاق
الأم مدرسة إذا أعدتْها
أعدتْ شعباً طيب الأعراق

(چه کسی به تربیت و آموزش زنان اهتمام می‌ورزد؟ در حقیقت علت عقب‌ماندگی شرق، جهل و بی‌سوادی آنان است. مادر چون مدرسه‌ای است که اگر آن را تجهیز کنی، ملتی با اصالت پاک پرورنده‌ای) البته از نظر او رعایت حقوق اجتماعی زن و آزادی او برای حضور در عرصه‌های اجتماعی به معنی بی‌بند و باری در میان اجتماع نیست: (همان)

أنا لا أقول دعوا النساء سوفرا
بين الرجال يجلن في الأسواق

(اعتقاد من آن نیست که زنان را بی‌حجاب در میان مردان رها کنید تا در کوچه و بازار پرسه بزنند) خلیل مطران از شعرای به نام معاصر عرب نیز با شعرهایی تحت عنوان «عَلِّمُوا بَنَاتِكُمْ» و «تعلیم المرأة و تهذیبها» این هدف را دنبال می‌کند. (مطران، ۱۹۴۹، ج ۳: ۱۵۳-۱۵۵-۲۳۷)

شجاعت

شجاعت از مهم‌ترین فضایی است که شاعران معاصر عرب در شعر خود بدان پرداخته‌اند. از جمله حافظ ابراهیم که معتقد است ملتش یعنی مردم مصر هرچند ملتی دست خالی و بی‌سلاح هستند اما در برابر دشمن جرار و حاکمان ستم و استعمارگران، با شجاعت تمام ایستادگی کرده‌اند و در این عرصه نه تنها مردان بلکه زنان حضور داشته‌اند. بدین جهت زمانی که آتش قیام مردمی در سال ۱۹۱۹ م شعله‌ور شد و زنان سهم بزرگی از مبارزه و مقاومت در برابر اشغالگران را از آن خود کرده و در برابر متجاوزان ایستادگی کردند، حافظ ابراهیم این‌گونه به ستایش آنان می‌پردازد: (۱۹۹۷، ج ۱: ۸۹-۸۸)

و في السنة السوداء كنتنّ قدوةً
لنا حين سأل الموت بالمهجات
وقفنّ في وجه الخميس مدججاً
و كنتنّ بالایمان معصمات

(در آن سال سیاه که مرگ، همچون خون در دل‌های ما جاری شد، برای ما اسوه بودید. در برابر لشکر تا دندان مسلح ایستادید درحالی که به ریسمان ایمان چنگ زده بودید)

سامی بارودی نیز به‌عنوان شاعری مسلمان و حقیقت‌جو، معتقد است مرگ بهتر از زندگی توأم با ذلت و خواری است و این‌گونه مخاطبش را به شجاعت می‌خواند: (۱۹۴۰، ج ۲: ۱۰۰)

دع الذلّ في الدنيا لمن خاف حتفه
فللموت خيرٌ من حياةٍ على الأذى

و در جای دیگر به داشتن همت بلند و وا همه نداشتن از سختی‌ها تشویق کرده است: (همان، ج ۱: ۳۹)

و من تكن العلياء همّةً نفسه
فكلّ الذی يلقاه فيها حَبَبٌ

(هرکس دست یافتن به مقامات عالی، مورد اهتمامش باشد، در راه آن هر آن چه سختی ببیند، برایش دوست داشتنی است)

کمک به فقیران و بخشش و سخاوت

یکی از مشکلاتی که در عصر معاصر، یا به سبب بی‌کفایتی و استبداد حکام داخلی و یا به سبب جور و ستم استعمارگران خارجی و نیز به دلیل شرایط محیطی، گریبانگیر جامعه عرب شده و موجب گسترش روحیه بی‌رحمی در میان طبقات مختلف مردم گشته است، معضل فقر و تهیدستی است؛ و آن موضوعی است که حساسیت شاعران را برانگیخته و آنان را واداشته است تا در این مهم سخن گفته و با زبان شعر همگان را به مساعدت تهیدستان دعوت نمایند.

احمد شوقی زمانی که جامعه مصر را دچار قحطی و خشکسالی می‌بیند، ثروتمندان را مورد خطاب قرار داده و حکم زکات را به‌عنوان یکی از احکام واجب الهی به آنان یادآور می‌شود: (۱۹۳۳: ج ۱: ۴۶۹-۴۷۰)

أَكَلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْآ
زَكَاةَ الْمَالِ لَيْسَتْ فِيهِ بَابَا
و لَمْ أَرْ مِثْلَ شَوْقِ الْخَيْرِ كَسْبًا
و لَا كِتَابَةَ السَّوِّءِ اِكْتِسَابَا

(آیا حکم همه چیز در کتاب خداوند آمده است و تنها برای زکات مال بابی باز نشده؟! من هیچ کسبی را برتر از اشتیاق برای کار خیر ندیده‌ام و هیچ کسبی مانند تجارت بی‌خیر و برکت وجود ندارد) و از طرفی به تهیدستان امید می‌دهد که حال دوران دائماً یکسان نمی‌ماند: (همان: ج ۳: ۲۲۸)

لَا الْفَقْرَ بِالْعِبْرَاتِ خُصَّ و لَا الْغِنَى
غَيْرُ الْحَيَاةِ لَهَنَّ حَكْمَ مِشَاعٍ
مَازَالَ فِي الْكُوخِ الْوَضِيعِ بَوَاعِثَا
مِنْهَا و فِي الْقَصْرِ الرَّفِيعِ دَوَاعٍ

(نه فقر پیوسته با اشک همراه است و نه بی‌نیازی و ثروت پیوسته حق زندگی دارد. هر یک از آنان سهمی مشترک دارند. همیشه در کلبه حقیر و فقیرانه نشانه‌هایی از زندگی هست و در قصر بلند مرتبه، دلیلی برای اشک مهیاست)

اشعار بسیاری از دیوان سامی بارودی نیز به بخشش و کرم، به‌عنوان یک ارزش اسلامی اختصاص یافته است. او سخاوت و کرم را به ابری پربران تشبیه می‌کند که از ریزش آن، گیاه شکر می‌روید. از نظر او مهم‌ترین راه برای رسیدن به عزت و مقامات عالی جود و بخشش است و اگر انسان ثروتمند مالش را انفاق نکند خود محتاج کمک دیگران می‌شود: (۱۹۴۰، ج ۱: ۱۹۴)

يَلْمُونَنِي فِي الْجُودِ و الْجُودُ مُزْنَةٌ
إِذَا هَمَلْتُ فِي مَوْضِعِ نَبْتِ الشَّكْرِ
إِذَا الْمَرْءُ لَمْ يُنْفِقْ مِنَ الْمَالِ وُسْعَ مَا
دَعَتَهُ الْمَعَالِي فَالْتَّرَاءِ هُوَ الْفَقْرُ

از نظر او دارایی انسان اگر در راه خیر صرف نشود و حمد و ثنای مردم را به دنبال نداشته باشد هیچ سودی ندارد: (همان: ۲۲۷)

فَلَا تَحْسَبَنَّ الْمَالَ يَنْفَعُ رَبَّهُ
إِذَا هُوَ لَمْ يَحْمَدِ قَرَاهِ الْعَشَائِرُ

صبر

از جمله موضوعاتی که شعرای معاصر عرب بدان پرداخته‌اند موضوع صبر است. حافظ ابراهیم زنان مصری را به صبر و پایداری در مواضع دشوار توصیف می‌کند که لازم است مردان، مقاومت را از آنان بیاموزند. آنان هستند که مردان را تشویق به جهاد می‌کنند و در راه آزادی وطن آنان را به مبارزه سوق می‌دهند، هرچند که می‌دانند جنگ جز مرگ و دشواری چیزی ندارد: (۱۹۹۷، ج ۱: ۸۸-۸۹)

تعلّم منکّن الرّجال فأصبحوا علی غمرات الموت أهلّ ثبات
و تدفّعهُ للموت و التّعزُّ باسمُ و فی صدرها نوءٌ من الرّفات
کذا فلیکن صنعُ الکریم و صبره علی دهره و الدّهْرُ غیر موات

لبخند زن در این عرصه لیخندی است برای تشویق مردان به ایستادگی، درحالی که درد و

حسرت را درون خود پنهان می‌کند.

او مردم مصر را توصیه می‌کند به این که با دشمن با جدیت، صبر و احتیاط تعامل کنند و تلاش کنند تا نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرده و به پا خیزند که اگر چنین کنند پیروزی نصیبشان خواهد شد: (همان، ج ۲: ۸۴)

أو تسألوا القلب یقل حاذروا و صابروا أعداءکم تفلحوا

عائشه تیمور نیز صبر و بردباری را مایه شفای دردها و سودمندترین وسیله برای شفای درون آدمی می

داند: (تیمور، ۱۸۸۶: ۵۶)

قد رأیت الشّفا بالصّبر مُتّزجاً و الصّبرُ أحمدُ ما أجدی و ما نفعاً

و نیز به بردباری خود در برابر مصائب روزگار اشاره می‌کند: (همان: ۵۴)

کم أفعدتنی آیامٌ بصدمتها و قمتُ بالعزم مشهور العنایات

حجاب و پاکدامنی و تقوا

عائشه تیمور دیوانش را با توصیه به حفظ حجاب و پاکدامنی آغاز می‌کند: (تیمور، ۱۸۸۶: ۳)

بید العفاف أصولُ عزّ حجابی و یعضمّنی أسمو علی أترابی

(با عفت و پاکدامنی، از عزت حجابم محافظت می‌کنم؛ و حجاب مرا نگه داری می‌کند و به کمک آن از

همسالانم برتری می‌یابم)

از نگاه او، حجاب مانع شکوفایی استعدادها و دست‌یابی به جایگاه والا نیست و هیچ‌گاه پوشش او باعث شرمندگی او در رسیدن به مراتب عالی نشده و موجب نشده در راه دست یافتن به اهداف والا، نتواند گوی سبقت از دیگران را بریاید: (همان: ۴)

ما ضَرَبْنِي أَدَبِي وَ حُسْنُ تَعَلَّمِي أَلَا بَكُونِي زَهْرَةَ الْأَلْبَابِ
ما عاقَبْتَنِي خَجَلِي عَنِ الْعِلْيَاءِ وَ لَا سَدَلُ الْخِمَارِ بِلَمَّتِي وَ نِقَابِي
عَنْ طَيِّ مِضْمَارِ الرَّهْمَانِ إِذَا اشْتَكْتَ صَعْبَ السَّبَاقِ مَطَامِحُ الرِّكَّابِ

او معتقد است حفظ عفت و پاکدامنی مایه‌ی خوشبختی است و خوشبختی چیزی جز اخلاق نیکو نیست: (همان: ۵۹)

و ما الحظُّ أَلَّا امْتَلَكَ المرءَ عَقَّتَهُ و ما السَّعَادَةُ أَلَّا حَسَنُ أَخْلَاقِ

سامی بارودی نیز در اشعارش به تقوای الهی فرا می‌خواند و آن را تنها توشه‌ای بر می‌شمارد که شایسته است آدمی برای آخرتش ذخیره کند: (۱۹۴۰، ج ۱: ۹۷)

ليس للإنسان فيها غير تقوى الله قوت

و نیز مردم را به تقوای الهی و ترس از عذاب خداوند در آخرت سفارش می‌کند: (همان: ۱۲۲)

يا أيها الناس اتقوا ربكم و احشوا عذاب الله و الآخرة

وفای به عهد و امانت داری

از جمله شاعرانی که به این فضیلت اخلاقی توجه دارد، حافظ ابراهیم است. او در این رابطه چنین می‌گوید: (۱۹۹۷، ج ۱: ۷۲)

تصون معنی ربه صون اللالی فی المحار
و العلم إن عدم الأما نة كان عنوان الخسار

(راز و معنی ولی نعمتش را چون در در میان صدف نگاه می‌دارد. علمی که امانت داری را رعایت نکند خود خسران و زیان است)

بارودی نیز معتقد است هرگاه آدمی با دیگران عهدی ببندد، بر او واجب است که وفادار بماند، زیرا این وفاداری صداقت و دوستی را در میان مردم ضمانت می‌کند: (۱۹۴۰، ج ۱: ۷۷)

أني إذا ما الخلل خاس بعهد بعد الوداد فلسئت من أصحابه

(اگر کسی بعد از دوستی، برعهد و پیمان خود نماند، من از یارانش نخواهم بود)

و نیز معتقد است هیچ دوستی و رفاقتی بعد از فریب و بی وفایی دوام نمی‌آورد و شکی بعد از شک و تردیدی دیگر به اعتماد تبدیل نمی‌شود: (همان: ۸۱)

كيف يصح بعد العدر و و تسلّم ربة بعد ارتياب

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری ملکات نفسانی و مکارم اخلاقی و نفوذ آن در اعماق وجود انسان و مرزبندی‌های او نسبت به موضوعات اخلاقی بدون شک مرتبط است با فطرت، عقیده و فلسفه‌ی عام زندگی نزد او، محیط زندگی و تحولات آن و تربیت فردی و اجتماعی او.

مقوله اخلاق در شعر و ادبیات، همواره مورد توجه ادبا و شاعران عرب بوده است و پیشینه آن به تاریخ پیش از اسلام بر می‌گردد؛ و این بدان جهت است که بسیاری، زبان شعر و ادب را مؤثرترین و آسان‌ترین راه برای ترویج مکارم اخلاقی دانسته‌اند. در واقع پرداختن به موضوع اخلاق، بخشی از شعر تعلیمی عرب است که از دوران جاهلی تا کنون مورد عنایت شعرا بوده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد هرچند منشأ بروز آموزه‌های اخلاقی در شعر کهن عرب، الهام‌گیری از فطرت الهی و به کارگیری اندیشه و خرد بسیط انسانی و قرار گرفتن در شرایط خاص محیطی و زندگی اجتماعی آن روزگاران بوده است، ولی در دوره معاصر، به دنبال بروز تحولات سیاسی و اجتماعی و رشد و بلوغ تفکر اندیشه‌ی انسانی از یک سو و نفوذ فرهنگ استعماری در جوامع اسلامی از سوی دیگر، بسیاری از شعرای عرب بر آن شدند تا به منظور رهایی ملت‌ها از بند ذلت استعمارگران و حکام ظالم و نجات از مشکلات اجتماعی و فرهنگی، به آموزه‌های اخلاقی تکیه زده و به ویژه به اخلاق متعالی اسلام روی آورند. در این دوره، شاعران خود را از قفس طلایی دربار حاکمان رهانیده و از انزوا خارج شدند و حضور در میان توده‌های مردم را وظیفه‌ی خود دانستند.

از این رو ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های اخلاق در این دوره همراه با تحولات دیگر، متحول شده و علاوه بر مضامین سنتی اخلاق و آموزه‌های اخلاق فردی، مؤلفه‌های دیگری مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، در این دوره، اخلاق اجتماعی مورد عنایت بیشتر قرار گرفته و شعرای عرب تحت تأثیر تعالیم اسلامی به موضوعاتی چون: اعتراض به بی‌عدالتی، دفاع از وطن، فقر ستیزی، رعایت حقوق زنان، رعایت عفت و پاکدامنی، صبر و پایداری در برابر مشکلات و مقاومت در برابر دشمنان و ... اهتمام بیشتری می‌ورزند.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- قرآن کریم
- ابراهیم، حافظ. (۱۹۹۷). **الدیوان**، شرح احمد امین و ابراهیم الأبیاری، قاهره، المطبعة الامریکیة.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین المکرم. (۱۹۹۰). **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ط ۱، ج ۱.
- البستانی، فؤاد افرام. (۱۹۶۷). **دائرة المعارف**، بیروت، المطبعة الکاتولیکية، ج ۷.
- بارودی، محمود سامی. (۱۹۴۰). **الدیوان**، القاهرة، دار الکتب، ط ۱.
- بقاعی، ایمان یوسف. (۱۹۹۴). **معروف الرصافی نار أم کلم**، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- تیمور، عائشه. (۱۸۸۶). **حلیة الطراز**، قاهره، دون مطبعة.

- ۱- الحرّ، عبد المجید. (۱۹۹۲). **احمد شوقی امیر الشعراء و نغم اللحن و الغناء**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط ۱.
- الرصافی، معروف. (۱۹۹۹). **الديوان**، بیروت، دار المنتظر.
- زیات، احمد حسن. (۱۹۹۳). **تاریخ الأدب العربی**، بیروت، دار المعرفة.
- شوقی، احمد. (۱۹۳۳). **الشوقيات**، القاهره، دار الکتب العلمیه.
- صدقی الزهاوی، جمیل. (۱۹۲۴). **الديوان**، مصر، المطبعة العربیه.
- العریض، ابراهیم. (۱۹۳۲). **ديوان الذکری**، بغداد، مطبعة النَّجَّاح.
- الغزالی، ابو حامد. (۱۳۲۶). **احياء علوم الدين**، القاهره، المطبعة العامریه، ج ۳.
- فهیمی، منصور. (۱۹۵۴). **محاضرات عن می زیاده**، قاهره، هادی نظری منظم.
- قطب، محمد. (۱۹۸۰). **دراسات قرآنیة**، بیروت، دار الشروق، ط ۲.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۱۱.
- مطران، خلیل. (۱۹۴۹). **الديوان**، بیروت، مطبعة المعارف.
- هولمز، رابرت. ال. (۱۳۹۴). **مبانی فلسفه اخلاق**، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس.

مجلات و نشریات

- تمیمی، علی. (۱۳۶۲). «مبادئ الحياة الاخلاقية في الاسلام»، نشریه فلسفه و کلام، شماره ۲۷، صص ۱۴۱-۱۲۴.
- حمادی ذیاب النعمی، ادهم. (۲۰۰۹). «القيم الأخلاقية في الشعر العربي»، مجلة النزاهة و الشفافية، البحوث و الدراسات، صص ۱۲۵-۱۰۳.
- محمد، عبدالهادی. (۲۰۰۹). «الأخلاق في شعر أحمد شوقی»، مجلة كلية الآداب و العلوم الانسانية و الاجتماعية، العدد ۵، صص ۲۵۰-۲۱۷.

سایتها

- بیلو، صالح آدم. (۲۰۰۲). «حول الشعر التعليمی (۱)»،

www.iu.edu.sa/magazine/52/20.doc